

نگاهی کلی به تغییرات جمعیتی و تأثیر آن بر روابط اجتماعی و فرهنگی

دکتر سید محمد سعید میرزایی^{**}

مقدمه:

کشور ایران در یک منطقه استراتژیک جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی قرار گرفته است. مجموع طول مرزهای آبی و خاکی که ایران با کشورهای همجوار دارد، هشت هزار و هفتصد و سی و یک کیلومتر است که شش هزار و سی و یک کیلومتر آن خاکی و بقیه آبی است. به طور کلی می‌توان گفت خصوصیات جغرافیایی و آب و هوایی در تحولات جمعیتی ایران اعم از تراکم در سرزمین، نوع و میزان فعالیتهای اقتصادی و شبکه روابط اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار بوده است. اما در این تحولات عوامل دیگر از جمله ساختار اقتصادی و اجتماعی ایران، آداب و رسوم، سنن و اعتقادات دینی، به صورت مختلف مؤثر بوده است.

بر اساس نتایج سرشماری‌های رسمی، جمعیت ایران در سال ۱۳۳۵ که اولین سرشماری رسمی فراگیر است، نزدیک به نوزده میلیون نفر بوده، این رقم در ده سال بعد به بیش از بیست و پنج میلیون نفر و در سال ۱۳۵۵ به آستانه سی و چهار میلیون نفر و در ده سال بعد به

* - استاد دانشگاه شهید بهشتی

مرز پنجاه میلیون نفر نزدیک شده و سرانجام در سال ۱۳۷۵، رقم شصت میلیونی را پشت سر گذاشته است.

تراکم این جمعیت در سرزمین، با توجه به ویژگی‌های هر کدام از مناطق جغرافیایی متفاوت بوده. از جمله عواملی است که در شکل‌گیری انواع روابط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تأثیر بسزا دارد و نیازمند تحقیق و بررسی‌های تجربی است. اما نکته مهم تغییرات در میزان جمعیت شهری و روستایی است که هر کدام منشأ بروز تغییرات در روابط اجتماعی و فرهنگی است که بر حسب شهر و روستا از پیچیدگی یا سادگی نسبی برخوردار است. بر اساس نتایج سرشماری میزان شهرنشینی از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵ از رقم ۳۱/۴ درصد به ۶۱/۳ درصد ارتقاء یافته است و پیش‌بینی شده است تا سال ۱۴۰۰ به آستانه ۷۲ درصد خواهد رسید. در طول این مدت تعداد شهرهای بیش از یک میلیون نفر جمعیت از رقم یک در سال ۱۳۳۵ که تا سال ۱۳۵۵ ثابت مانده در سال ۱۳۷۵ به پنج شهر رسیده است. از سوی دیگر سهم جمعیت روستایی در طی همان مدت از ۶۸/۶ درصد به ۲۸/۷ درصد تنزل کرده است. (امانی، ۱۳۸۰: ۳۹-۳۱)

از جمله مسائلی که در تحولات جمعیت شهری باید به آن اشاره کرد و ابعاد آن را مورد بررسی قرار داد رشد فقر شهری است. در حال حاضر، سنی درصد از جمعیت فقیر در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران در مناطق شهری زندگی می‌کنند و بر اساس پیش‌بینی‌های به عمل آمده توسط مراکز مختلف از جمله دانشگاه جان هاپکینز، تا سال ۲۰۳۵، این رقم به پنجاه درصد خواهد رسید (Population reports, 2002: 2). بخش عمده این جمعیت به دلیل نارسایی‌های زیرساختی و ضعف‌های مدیریتی، در محلات پرازدحام و ناسالم، زندگی خواهند کرد و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی خاص خود را شکل خواهند بخشید.

از سوی دیگر افزایش جمعیت شهری که منجر به تخریب محیط زیست آن و تغییر

کاربری زمین‌های اطراف شهرها از کشاورزی به سکونت‌توسط بخش‌های رسمی و غیررسمی می‌شود، افزایش فشار بر منابع انرژی‌های مختلف آب، خاک، فسیلی و غیره را فراهم می‌سازد و بدین ترتیب شاخص مصرف سرانه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. رشد سرانه مصرف انرژی مستقیماً محصول افزایش جمعیت، بویژه شهری، و نارسایی‌های اجتماعی و فرهنگی ناشی از آن است. مطالعه فرهنگ مصرف و روابط اجتماعی مبتنی بر آن، یکی از مهمترین چالش‌هایی است که نیازمند مطالعات تجربی و استنتاج از آن برای اتخاذ سیاست‌های راهبردی است. به علاوه پهنه روابط اجتماعی و فرهنگی تا آنجا گسترده است که برای تدقیق موضوع اینگونه مطالعات اهمیت فراوان می‌یابند مدیریت شهری نیز از آن جهت با چالش‌های ناشی از انباشت جمعیت و نیروی انسانی در شهر روبه‌رو است که در اثر تشدید جریان مهاجرت روستا - شهر و توازن ضعیف بین عرضه و تقاضا عرصه‌های اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی رو به ضعف می‌گذارد. تنگ‌تر و محدودتر شدن این عرصه‌ها آثار خود را در روابط بین شهروندان نشان می‌دهد که از وجوه آن عدم رعایت حقوق و نکالیف شهروندی است. بنابراین مدیریت شهری باید بتواند از ساز و کارهایی استفاده کند که در قاعده‌مند شدن و در عین حال تسهیل روابط اجتماعی مؤثر افتد و نظم اجتماعی را برقرار و پایدار کند.

تأثیر تحولات جمعیتی بر جنبه‌های

اقتصادی فرهنگی و روابط اجتماعی در سطح خرد (خانواده)

الف - درآمد خانوار

در تجزیه و تحلیل اقتصاد یک کشور، و در بعد نظری آن می‌توان بین درآمد ملی و حجم خانوار و سطح باروری براساس تجربیات کشورهای مختلف رابطه‌ای برقرار ساخت. از این رو می‌توان به سطح پایین باروری در کشورهای توسعه یافته اقتصادی، که حاصل فرایندهای انتقالی جمعیت، و در بستر فرهنگی آن است، اشاره کرد. به عبارت دیگر هر قدر

سطح باروری پایین تر باشد حاکی از تحقق توسعه اقتصادی است و از سوی دیگر کاهش باروری نیز نتیجه آن دیگری است. بدین ترتیب می توان بر این برهان خلف نیز اشاره کرد که هر قدر سطح باروری بالا باشد به معنی تأخر در رشد و توسعه اقتصادی است. از سوی دیگر تأخر در توسعه اقتصادی، موجب استمرار عادات و رفتارهای باروری سنتی به استناد فعل و انفعالات دموگرافیک در کشورهای توسعه نیافته است.

گرچه چنین رابطه ای یک امر کلی است، ولی تفاوت هایی را که در هر جامعه و میان اقشار اجتماعی و گونه های جمعیتی به علت تأثیر پارهای متغیرهای بینایی، که عمدتاً فرهنگی یا احیاناً زیست محیطی است، وجود دارد باید در نظر گرفت. به همین لحاظ است که عموماً باروری نژده اقشار روستایی به مراتب بالاتر از شهری و زمینه ساز شکل گیری تفاوت در زمینه های اجتماعی و فرهنگی است. این رابطه در سطح خانواده مشهودتر است. اما برای اثبات آن نیازمند تحقیقات میدانی مختلف است. براساس تحقیقاتی که در کشورهای مختلف به عمل آمده، این واقعیت روشن شده است. برای مثال در امریکا، در بین تمامی زنان ۲۴ - ۳۵ ساله، زنانی که درآمد همسرشان در سال ۱۹۶۹، ۱۵ هزار دلار یا بیشتر بوده، بطور متوسط سه فرزند داشتند، در حالی که این رقم نزد زنانی با همسرانی کمتر از درآمد ذکر شده، معادل ۳/۳ بوده است. این ارقام کما بیش رابطه بین درآمد و بعد خانوار را نشان می دهد.

اما نکته مهم تر اینست که درآمد سرانه خانوار که حاصل رابطه دو متغیر درآمد کل خانوار و تعداد اعضا به وجود آورنده آن درآمد است، شاخصی است که تا حدی می توان با استفاده از آن، نوع روابط موجود، بلکه منعکس کننده توانایی خانوار، در برقراری سیستم روابط اجتماعی و فرهنگی در بین اعضای آن در آینده و به ویژه کنترل وابستگی اقتصادی است. این مسأله در کشورهای کم درآمد از اهمیت زیادی برخوردار است. «کول» و «هور» تحقیقات مفصلی در این مورد انجام دادند و به نتایج مهمی دست یافتند. برای مثال

در پروژه‌ای که در کشور هند به انجام رساندند روشن ساخته‌اند که چنانچه باروری و مرگ و میر کاهش پیدا کند، شاخص وابستگی اجتماعی از رقم ۱/۵۱ در سال ۱۹۵۶ به رقم ۱/۲۴ در سال ۱۹۸۶ تنزل پیدا خواهد کرد. (میر، ۱۳۸۰: ۲۰۵) گرچه ارقام فوق به گذشته تعلق دارد اما به کمک آن می‌توان رابطه بین کاهش باروری و بهبود شرایط اقتصادی خانواده را تخمین زد.

آنچه که در حال حاضر در ایران وجود دارد این است که اولاً گرچه میزان رشد طبیعی جمعیت کاهش یافته است، اما هنوز بازتاب رشد سنگین و پرشتاب گذشته در سنین جوانی و اشتغال مشاهده می‌شود و با توجه به ضعفهای اقتصادی مزمن، که تصویر روشنی از بهبود آن در آینده نمی‌توان ارائه داد، پی آمدهای آن به صورت رشد میزان بیکاری و روابط اجتماعی و فرهنگی ناشی از آن کاملاً مشهود است و خطر جدی آن قابل انکار نیست. در حال حاضر تقریباً از هر سه نفر در گروه‌های سنی ۲۲ تا ۲۹ سال یک نفر بیکار است و اگر رشد اقتصادی به بیش از ۸ درصد نرسد، تعداد بیکاران ظرف چند سال آینده از مرز ۵/۵ میلیون نفر خواهد گذشت و این در حالی است که برخلاف پیش بینی دولت مبنی بر ایجاد هشتصد هزار فرصت شغلی، نیمی از آن تحقق نیافته است. از سوی دیگر براساس نظر مقامات مسئول سازمان مدیریت و برنامه ریزی، اگر اقتصاد ایران به رشدی معادل ۸/۵ درصد دست یابد، تا ده سال دیگر ایران می‌تواند به وضعیت فعلی ترکیه برسد.

نیازی به گفتن نیست که در صورت عدم تحقق برنامه‌های از پیش تعیین شده و استمرار پدیده بیکاری، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی دور از ذهن نیست. یکی از ابعاد اقتصادی آن که جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی دارد، بار تکفل اقتصادی است.

اگر بار تکلف اقتصادی ناشی از وزن بالای جوانی خصیصه عمده ساختار سنی در حال حاضر است، اما بار اقتصادی ناشی از افزایش تدریجی کهنسالی در ساختار سنی جمعیت ایران در چند سال آینده دور از انتظار نیست و این در حالی است که نمی‌توان ادامه بار

اقتصادی جوانی را کاملاً نادیده گرفت. حاصل این ساختار، شکل‌گیری روابط اجتماعی و فرهنگی جدیدی در بطن خانواده است و یکی از جنبه‌های آن را می‌توان گسست و انقطاع نسلی دانست.

براساس تحقیقات به عمل آمده، بار تکفل اقتصادی در سال ۱۳۶۵ معادل ۳/۵ و با اندکی کاهش در سال ۱۳۷۵ به رقم ۲/۱ رسیده است. ولی این نشان دهنده ضرورت آشکار برای برنامه‌ریزی‌های توسعه اقتصادی و اتخاذ استراتژی مناسب برای کاهش این بار اقتصادی است.

بررسی اجمالی میزان‌های سنی فعالیت مردان در سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۷۵ در جدول ۱ نشان می‌دهد که معدل یا درصد فعالیت اقتصادی، گرچه در سنین نوجوانی در فاصله سرشماری‌ها کاهش یافته و حاکی از افزایش میزان مدرسه‌روی است، اما در سنین بالاتر، یعنی ۵۹-۲۰ نیز کاهش محسوس قابل مشاهده است. روندی مشابه این کاهش در جمعیت زنان نیز وجود دارد.

جدول ۱- توزیع میزان‌های سنی فعالیت مردان

سال		فعالیت گروه‌های سنی
۱۳۷۵	۱۳۴۵	
۱۱/۴	۳۵/۹	۱۰-۱۲
۵۲/۲	۶۸	۱۵-۱۹
۸۸	۹۰/۸	۲۰-۲۴
۹۰/۳	۹۶/۶	۲۵-۲۹
۹۶/۷	۹۷/۷	۳۰-۳۴
۹۷/۱	۹۷/۹	۳۵-۳۹
۹۵	۹۷/۵	۴۰-۴۴
۹۲/۷	۹۵/۹	۴۵-۴۹
۹۰/۳	۹۱/۲	۵۰-۵۴
۸۴/۵	۸۶/۴	۵۵-۵۹
۶۸/۳	۷۷	کل جمعیت

مأخذ: سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران

اما برای تبیین بهتر وضعیت اقتصادی خانوار، بهتر آن است که توزیع هزینه‌ها را نیز که تحت تاثیر شرایط اجتماعی و اقتصادی است در نظر گرفت. از این رو بودجه خانوار در فاصله سالهای ۱۳۷۷-۱۳۵۳ که اطلاعات آماری نسبتاً قابل قبول دارد، براساس جدول ۲ قابل بررسی است.

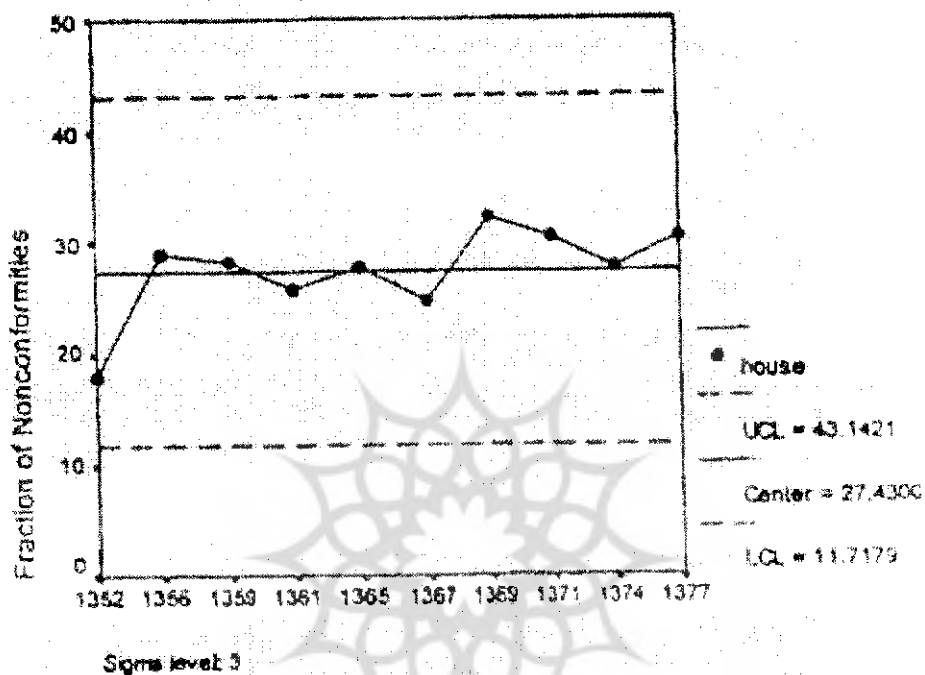
جدول ۲- توزیع نسبی ارقام بودجه خانوار در فاصله سال‌های ۱۳۵۳-۱۳۷۷

۱۳۷۷	۱۳۷۲	۱۳۷۱	۱۳۶۹	۱۳۶۷	۱۳۶۵	۱۳۶۱	۱۳۵۹	۱۳۵۶	۱۳۵۳	بودجه متوسط سالانه خانوار (شهری)
۳۱	۳۴/۲	۳۰/۹	۳۲/۶	۳۴/۶	۴۱/۶	۲۰/۲	۳۸	۳۳/۳	۳۹/۲	درصد هزینه‌های غذایی
										درصد هزینه‌های غیر غذایی
۸/۹	۹/۸	۱۱/۹	۱۳/۱	۱۰	۷/۲	۸/۵	۶/۱	۷/۳	۹/۵	پوشاک
۳۰/۵	۲۷/۸	۳۰/۵	۳۲/۲	۲۴/۶	۳۷/۷	۲۵/۸	۲۸/۳	۲۸/۹	۱۸	مسکن
۳/۲	۲/۷	۳/۲	۲/۳	۳/۵	۲/۶	۲/۱	۲/۲	۳	۲/۸	آب، برق، انرژی
۵/۹	۶/۵	۶/۳	۶/۱	۴/۲	۴/۷	۶/۷	۴/۵	۶/۵	۶/۸	تالیه
۵/۲	۵/۱	۵/۵	۴	۴/۳	۳/۹	۲/۱	۴/۲	۲/۷	۲/۱	پهنا
۷/۹	۷/۲	۵/۹	۲/۵	۵/۳	۶/۵	۶	۷/۲	۸	۶/۱	حمل و نقل و ارتباطات
۱/۲	۰/۹	۱/۳	۰/۹	۰/۵	۰/۸	۰/۷	۰/۶	۰/۶	۲/۴	تفریح و اشتغال‌های تفریحی
۲/۲	۲/۲	۱/۴	۱/۱	۰/۹	۰/۹	۰/۹	۰/۸	۰/۸	۱/۸	آموزش
۳/۹	۳/۲	۳/۱	۳/۱	۳	۳/۹	۵/۱	۷/۷	۸/۹	۸/۳	سایر
۱/۱	۱/۲	۱/۱	۱/۱	۱/۳	۱/۲	۱/۲	۰/۹	۱	۱/۳	نسبت هزینه به درآمد (R)

مأخذ: فولادی - ۲۲۳

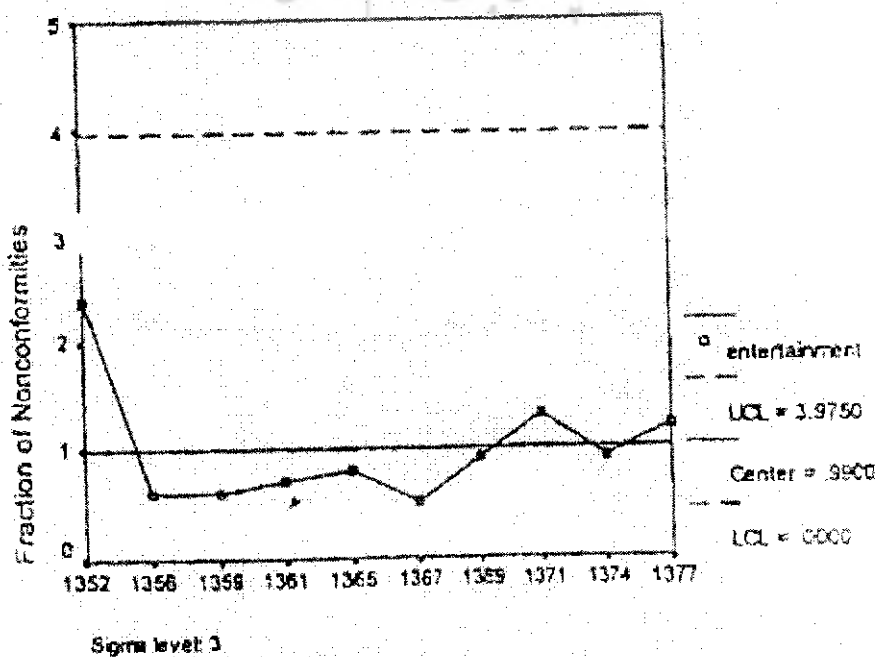
تغییرات این ارقام در طول سالهای ۱۳۷۷-۱۳۵۳، حاکی از دگرگونی‌هایی است که در جامعه ایران صورت گرفته. درصد هزینه‌های غذایی از رقم ۳۹/۲ در سال ۱۳۵۳ به رقم ۳۳/۳ در سال ۱۳۵۶ کاهش شدید نشان می‌دهد. نسبت درصد هزینه‌های غذایی بعد از ۱۳۵۶ روندی صعودی یافته و در ۱۳۶۷ به ۴۴/۶ درصد رسیده و پس از آن با روندی رو به تنزل مواجه و در سال ۱۳۷۷ به ۳۱ درصد تقلیل یافته است.

Control Chart: house



روند تغییرات هزینه مسکن در جدول ۲

Control Chart: entertainment



روند تغییرات هزینه تفریح و اشتغالیات فرهنگی در جدول ۲

از سوی دیگر توزیع سهم مسکن در طی همان سال‌ها، حاکی از فشار شدیدی است که بر بودجه خانوارها وارد شده، و همچنان ادامه دارد. به جرأت می‌توان گفت با چشم انداز فعلی، این فشار همچنان ادامه خواهد یافت و تبعات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن به ویژه در مقیاس خانوار یا خانواده خالی از اهمیت نیست. سهم مسکن از ۱۸ درصد در سال ۱۳۵۳ به سرعت رو به افزایش بوده و با نوساناتی که در جدول ۲ منعکس است تا رقم ۳۰/۵ در سال ۱۳۷۷ افزایش داشته است.

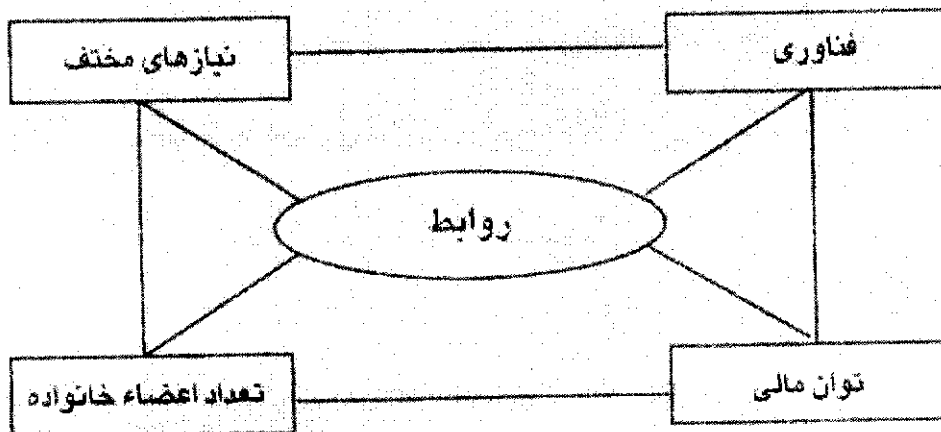
اما سهم تفریحات و اشتغالات فرهنگی، به عنوان عاملی مهم در برقراری روابط اجتماعی و فرهنگی و تعاملات بین اعضای خانواده به میزان ۵۰٪ در طی همان مدت تنزل داشته است. این کاهش با توجه به افزایش شدید سهم مسکن، کاهش قابل ملاحظه سهم هزینه‌های غذایی و نوسانات محسوس و نامحسوس سایر اقلام، حاکی از افت کیفیت زندگی و فشار ناشی از آن است. و همانطور که در ارقام نسبت هزینه به درآمد ملاحظه می‌شود به جز در چند مورد که رقم نسبت به یک نزدیک و یا در سال ۱۳۵۶ به یک رسیده پیوسته نامعادله $R > 1$ برقرار بوده است. نکته جالب این است که در سال ۱۳۵۹ که آغاز جنگ ایران و عراق بوده مقدار نسبت پایین‌تر از ۱ و در سال ۱۳۶۷، سال پذیرش قطعنامه بالاترین رقم را به خود اختصاص داده است. این تغییرات در خانوار روستایی نیز صورت گرفته است با توجه به نوع و شیوه زندگی روستایی، تغییر در سهم هزینه‌های غذایی در طی همان مدت، کمتر از خانوار شهری بوده و افزایش سهم هزینه مسکن نیز نزدیک به ۵۰٪ بوده است. در حالی که سهم تفریحات و اشتغالات فرهنگی کاهش بسیار جزئی از رقم ۱/۳ در سال ۱۳۵۳ به رقم ۱/۲ در سال ۱۳۷۷ داشته، اما در عین حال نسبت هزینه به درآمد در خانوار روستایی همچنان نامعادله $R > 1$ را نشان می‌دهد و حتی در سال ۱۳۵۹ به رقم ۱/۴ رسیده است. می‌توان تشدید جریانهای مهاجرتی روستا به شهر را بر چنین وضعیتی نسبت

داد.

با مصرف و سد

توزیع آب نام فوق العادی از تغییر الگوی مصرف و سطح زندگی است. الگوی مصرف و سطح زندگی از عوامل عمده شکل گیری انواع روابط اجتماعی و فرهنگی است. برای مثال در حال حاضر خشکی و کم آبی در سطح کلان و در استانهایی مانند سیستان و بلوچستان، کیفیت نازل آب لوله کشی شهر قم و گیلان بی تردید سطح و کیفیت زندگی را تحت تأثیر قرار داده است. در استان سیستان و بلوچستان و گیلان بیش از ۳۰ درصد خانوارها به آب آشامیدنی بهداشتی دسترسی ندارند و در مناطق روستایی سمنان، کرمان، هرمزگان و کهگیلویه و بویراحمد نیز بیش از ۲۰٪ خانوارها به آب سالم دسترسی ندارند. (D.H.S. ۱۳۷۹: ۱۷) اگر مسأله افزایش جمعیت از یک سو و ضعف مدیریت و ارتباطات و نقص آموزش های لازم از سوی دیگر در نظر گرفته شود در آن صورت افزایش تقاضا برای آب بهداشتی و ارتباط آن با سلامت عمومی، می تواند کیفیت زندگی را بیش از پیش تحت تأثیر قرار دهد.

با توجه به عملکردهای برخی از عوامل اقتصادی مانند نرخ بیکاری، و کاهش توان مالی خانواده و تعداد اعضاء آن و لزوم دست یابی به تکنولوژی بخصوص تکنولوژی آموزشی برای ارتقا سطح فرهنگی و رفع نیازهای مختلف اجتماعی، می توان اثرپذیری روابط درونی و بیرونی خانوار را از آن عوامل به شکل زیر مطرح ساخت:



ج: بعد خانوار و تعداد فرزندان

بطور کلی می توان گفت جمعیت ایران در طی چند سال گذشته منتهی به سال ۱۳۷۵ تغییرات عمده به خود دیده و گرچه میزان رشد سالانه آن از رقم ۳/۱ درصد در سال ۱۳۴۵ به رقم ۱/۹ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده است. اما میزان شهرنشینی که بسترها یا عوامل شکل دهنده روابط پیچیده اجتماعی و فرهنگی و خلق نیازهای مختلف و فرایند اجتماعی است، از رقم ۳۱ درصد در سال ۱۳۳۵ به رقم ۶۱ درصد در سال ۱۳۷۵ ارتقا یافته و به موازات آن بعد خانواده نیز که می بایست تغییرات قابل ملاحظه ای را پشت سر گذارد با نوسانات اندکی مواجه شده است (جدول ۳).

جدول ۳- تغییرات بعد متوسط خانوار در فاصله سال های ۱۳۳۵-۱۳۷۵

سال سرشماری	بعد خانوار (به نفر)
۱۳۳۵	۴/۸
۱۳۴۵	۵/۰
۱۳۵۵	۵/۰
۱۳۶۵	۵/۱
۱۳۷۵	۴/۸

مأخذ: (امانی، ۱۳۸۰: ۵۲)

با توجه به روند باروری در گذشته، اطلاعات جدول نشان دهنده تغییرات بعد متوسط خانوار در فاصله ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ است. بعد متوسط خانوار از ۴/۸ نفر در سال ۱۳۳۵ به ۵/۰ نفر افزایش یافته است. در فاصله سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ تغییری نداشت ولی در سال ۱۳۶۵ به رقم ۵/۱ نفر افزایش یافت. روند سریع کاهش باروری، بعد متوسط خانوار در سال ۱۳۷۵ را کاهش داده و به ۴/۸ نفر رساند.

مطالعات انجام شده در زمینه باروری حاکی از آن است که رفتار باروری و فرزند آوری تا مدتها از الگوهای سنتی و رفتارهای بیولوژیک تأثیر پذیرفته و رقم میزان باروری کل،

یعنی تعداد متوسط نوزادان زنده به دنیا آمده یک زن در طول دوره باروری، تا سال ۱۳۴۵ حدود ۷ نوزاد بوده است. این شاخص به آرامی سیر نزولی خود را آغاز کرده و در سال ۱۳۶۵ به ۶/۵ نوزاد رسید. جالب آنکه کاهش سریع باروری در فاصله سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ این شاخص را به کمتر از نصف تقلیل داده و به رقم ۳ نوزاد رسانده است. (میرزایی، ۱۳۷۸)

۲. آموزش

نیاز به گفتن نیست که گسترش ابعاد خانواده ناشی از باروری بالا، چنانچه در گذشته نیز به آن اشاره شد. عامل مؤثر در تنظیم روابط اعضای خانواده و سایر ابعاد فرهنگی، از جمله آموزش محسوب می شود.

از ابعاد مهم رشد جمعیت، بعد آموزشی و فرهنگی است. آموزش سرمایه انسانی موضوع با اهمیتی است که در همه جوامع عموماً مورد توجه بوده است. همچنین آموزش و میزان باسوادی در سطوح مختلف از شاخص های اساسی توسعه محسوب می شود. تحولات و تغییراتی که در طول چهل سال منتهی به سال ۱۳۷۵ در ساختار جمعیتی و اجتماعی و فرهنگی ایران صورت گرفته در رشد جمعیت باسواد نیز انعکاس یافته است.

هرچند میزان سواد در فاصله سال های ۱۳۲۵ تا ۱۳۵۵ از ۱۵ درصد به ۴۸ درصد رسید و بیش از سه برابر شد ولی تا سال ۱۳۵۵ هنوز بیش از نیمی از جمعیت کشور بی سواد بودند. شرایط خاص بعد از انقلاب اسلامی، منجر به اتخاذ تصمیم و تأمین خواسته ها و نیازهای انباشته جامعه، در زمینه های مختلف از جمله آموزش گردیده و بر این اساس، ماده ۳۰ قانون اساسی کشور به تصویب رسید که مفاد آن چنین است:

«دولت موظف است شرایط دستیابی به آموزش رایگان برای همگان را تا پایان دوره دبیرستان فراهم آورد. همچنین دوره های عالی را گسترش دهد تا کسانی که مایل به ادامه تحصیل باشند بتوانند به رایگان از آن بهره مند شوند و به دانشگاه راه یابند.»

به علاوه، به دلیل ضعف‌هایی که در سیستم آموزش رسمی کشور وجود داشت، براساس فرمان رهبر انقلاب «نهضت سوادآموزی» شکل گرفت.

معمولاً رشد سالانه جمعیت باسواد سریعتر و با شتاب‌تر از رشد جمعیت کل صورت می‌گیرد و این یک امر طبیعی است زیرا فرآیند عمومی توسعه در جوامع، چنین شرایطی را ایجاد می‌کند. نگاهی به جدول ۴ نشانگر آن است که علیرغم مشکلات اقتصادی به ویژه طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵، رشد میزان باسوادی از شتاب بیشتری برخوردار بوده است:

جدول ۴. رشد میزان باسوادی طی سال‌های ۱۳۳۵ - ۱۳۷۵

میزان باسوادی (درصد)	سال
۱۵	۱۳۳۵
۳۰	۱۳۴۵
۴۸	۱۳۵۵
۶۲	۱۳۶۵
۷۵	۱۳۷۰
۸۰	۱۳۷۵

منبع: (دیوزانی، ۱۳۷۸: ۵۳)

برنامه نهضت سوادآموزی در دو سطح مقدماتی و تکمیلی پیش‌بینی شده بود. اما به تدریج سطوح بالاتر به آن اضافه شد. فعالیت‌های سوادآموزی نهضت موجب شد تا میزان باسوادی به تدریج کاهش یابد از طرف دیگر میزان جذب سیستم رسمی آموزش نیز افزایش یابد. اما تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی و میزان توسعه یافتگی که در بخش‌های جغرافیایی کشور وجود دارد، در میزان باسوادی و مدرسه روی جمعیت لازم‌التعلیم نیز انعکاس یافته است.

این تحولات نتیجه طبیعی افزایش جمعیت و افزایش نیاز به آموزش در حالت کلی است.

از سوی دیگر، افزایش میزان گرایش به تحصیل در سطوح عالی، نسرده زنان، حاصل تحولات فرهنگی و شکل‌گیری نیاز به ارتقاء و کسب منزلت‌های اجتماعی و اقتصادی آنان است. این تحولات در ساختار روابط اجتماعی و فرهنگی خانوارها نیز انعکاس یافته و روابط جدیدی را به وجود آورده است. که در بخش مربوط به تفصیل مورد مطالعه قرار گرفته است.

نکته قابل توجه این است که تأخیر نسبی در انتقال جمعیتی موجب جوان شدن ساختار سنی جمعیت شده است. تأثیر این تحوّل در شرایط اقتصادی معین، روی توان مالی و قدرت خرید خانواده شایان بررسی و مطالعه تجربی است. مطالعات مختلفی نیز اثرات این تحولات روی پدیده‌های جمعیتی مانند ازدواج، طلاق... را نشان داده است. بنابراین اگر بتوان پذیرفت که تأثیر عوامل اقتصادی روی طلاق انکارناپذیر است. در آن صورت نمی‌توان اضطراب و نگرانی ناشی از آن را در نگرش‌ها و تصمیم‌جوئان نسبت به ازدواج نادیده گرفت. از اینرو تأخیر در ازدواج از یک سو و نظارت‌های رسمی و غیررسمی روی رفتارهای اجتماعی - فرهنگی جوانان از سوی دیگر مسائلی را به دنبال دارند که قابل بررسی علمی اند.

پی‌آمدهای تحولات جمعیتی بر رفتار و تعامل میان افراد خانواده

الف: تحرک اجتماعی

دستیابی به موقعیت‌های برتر یک نیاز عقلانی و طبیعی برای هر فردی است. به ویژه در فضای رقابت‌آمیز، شدت این نیاز محسوس‌تر می‌شود. از جمله عوامل مؤثر بر میزان موفقیت فرد به موقعیت‌های مورد نظر، بعد خانواده است و تعداد اعضاء در خانواده پرجمعیت در تنظیم روابط اجتماعی برای کسب موقعیت برای آنان تأثیرگذار است.

بستر این تأثیرگذاری در روابط اجتماعی و فرهنگی است که بین فرزندان از یک سو و والدین و فرزندان از سوی دیگر، نهفته است. فرهنگ گفتگو و مشاوره فرزندان با والدین

موجبات رشد شخصیتی و پرورش استعداد و افزایش توانائی روحی برای کسب امتیازات اجتماعی است. (توسلی، ۱۳۷۲: ۲۶۱) ابعاد خانواده و تأثیر آن در شخصیت در بخش‌های بعدی خواهد آمد. به نظر می‌رسد سازگاری فرزندان با والدین، با تعداد اعضای خانواده رابطه معکوس دارد به این معنی که هر قدر تعداد اعضای خانواده بیشتر باشد، احتمال سازگاری بین آنان کاهش می‌یابد. اما این یک قاعده کلی نیست و نیاز به بررسی بیشتر دارد. با کاهش درجه سازگاری، شرایط برای آسیب‌های روانی و اجتماعی و فرهنگی مساعدتر می‌شود. مرحله آغازین این آسیب‌ها، پرخاشگری بین اعضای خانواده است که در اثر استمرار، به یک فرهنگ رایج تبدیل می‌گردد. برقراری ارتباط و مشاوره و حل اختلافات موجود بین والدین از ضروریات ایجاد شرایط مناسب برای رشد شخصیتی فرزندان است. تعداد بالای فرزند، علاوه بر ایجاد مضیقه‌های گوناگون برای والدین، موجب می‌شود مسائل انباشته شده در روابط خانواده شرایط را برای افزایش آسیب‌ها فراهم آورد.

یکی از عوامل مهم در این کنش‌ها، باروری‌های ناخواسته است و می‌تواند تعادل عصبی را متزلزل سازد و پی آمدهای آن علاوه بر والدین، در روابط اجتماعی و فرهنگی سایر اعضای خانواده نیز انعکاس پیدا کند.

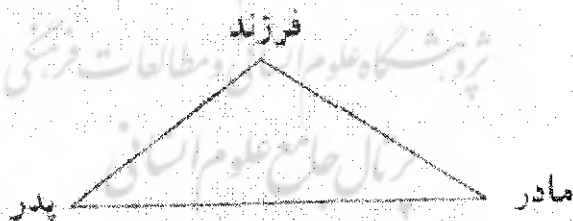
عوارض باروری‌های ناخواسته هنگامی تشدید می‌شود که فاصله تولدها نیز اندک باشد و علاوه بر پی آمدهای جسمانی برای مادر و کودک، آثار اجتماعی آن به صورت اختلاف میان والدین به بهانه‌های مختلف بروز کند و در روابط اعضای خانواده اختلالاتی را ایجاد کند به علاوه، تنش‌های روانی ناشی از حاملگی ناخواسته، به ویژه هنگامی که فضای فیزیکی زندگی در خانواده محدود باشد تأثیر منفی داشته و موانعی را در ارتقای اجتماعی برای دست‌یابی به موقعیت‌های مطلوب‌تر ایجاد می‌کند.

ب: فضای فیزیکی

هر کدام از مباحث یاد شده نیازمند تحقیقات تجربی و میدانی است ولی صحت این امر را نباید نادیده گرفت که فضای فیزیکی زندگی در خانواده، عامل مهمی در ایجاد و تشدید تنش‌های روانی بین اعضاء آن است. عدم تناسب بین سطح مسکونی و تعداد نفقات زمینه‌ای برای شکل‌گیری آسیب‌ها و رفتارهای انحرافی است. گفتنی است در حال حاضر در یک سوم استان‌های کشور، بعد خانوار بیش از ۵ نفر است و در غالب استان‌ها، بیش از دو نفر در یک اطاق زندگی می‌کنند. (D.H.S, ۱۳۷۹: ۲۵).

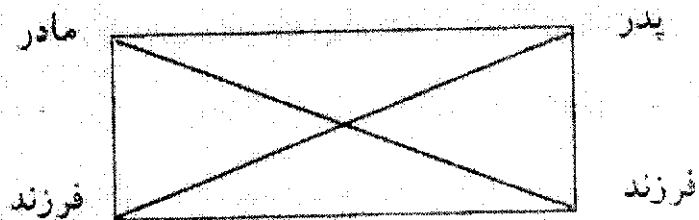
در قالب بحث نظری می‌توان سه گونه خانواده را در فضای فیزیکی ثابت، به طور اجمال بررسی کرد:

الف - گونه اول، خانواده‌ای با یک فرزند، مثلثی را تشکیل می‌دهد که در دو رأس آن پدر، مادر و در یک رأس آن فرزند قرار دارد.



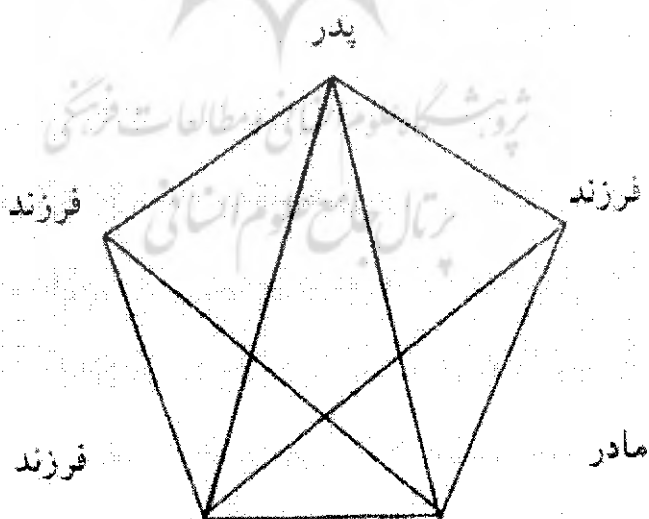
در این نوع خانواده فضای فیزیکی و اجتماعی برای گسترش روابط عاطفی، عقلانی، اجتماعی و فرهنگی تحت شرایطی برای هر سه وجود دارد. به علاوه مکان کافی برای فعالیت‌های فیزیکی کودک از جمله بازی، دویدن... که برای رشد شخصیت و تأثیر آن در تنظیم رفتارها و ارتباط با سایرین حائز اهمیت است. در اختیار خواهد بود.

ب - گونه دوم، خانواده‌های با دو فرزند در همان فضای فیزیکی چهارگوشی را شکل خواهد داد که در دو رأس آن والدین و در دو رأس دیگر فرزندان قرار دارند:



در این خانواده بر اثر افزایش تعداد نفقات، کاهش نسبی در فضای فیزیکی صورت خواهد گرفت که در نوع و حجم روابط بین اعضاء تأثیرگذار خواهد بود، به همان نسبت روابط بین اعضاء فشرده‌تر خواهد شد.

ح - نوع سوم خانواده‌ایست که با تعداد فرزندان بیشتر، شکل کنیترالاضلاعی به وجود می‌آورد.



در این نوع خانواده که در همان فضا در نظر گرفته می‌شود روابط پیچیده‌تر و فشرده‌تر از دو نوع قبلی است. میزان این روابط و دامنه گسترش و پیچیدگی آن با ثابت بودن سایر عوامل، مانند درآمد و امکانات دیگر، می‌تواند پی‌آمدهای مختلفی که دارای جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی است شکل دهد. از عمده‌ترین آنها، ضرورت اعمال قدرت در کنترل

ارضاع به تناسب افزایش تعداد اعضای خانواده است و به نظر می‌رسد نوع روابط اجتماعی و فرهنگی در خانواده می‌تواند تابعی از تعداد فرزندان و اعضای خانواده باشد. (Hurlock, ۱۹۷۸: ۲۹۹).

ج. اعضاء خانواده و نگرش‌ها

خانواده را برحسب تعداد اعضاء آن، به چهار دسته تقسیم کرده‌اند:

- ۱ - خانواده تک فرزندی
- ۲ - خانواده کوچک شامل دو یا سه فرزند
- ۳ - خانواده با اندازه متوسط شامل سه الی پنج فرزند
- ۴ - خانواده گسترده شامل شش فرزند و بیشتر

در هر کدام از این چهار نوع خانواده، روابط اجتماعی و فرهنگی متفاوتی به وجود می‌آید.

در خانواده نوع اول، روابط فرزند و والدین تنگاتنگ است و معمولاً تلاش برای این است که بهترین روابط برقرار و حفاظت‌ها و مراقبت‌های بیشتری از طرف والدین نسبت به فرزند اعمال شود.

تضادهای و حسادت‌ها در این خانواده‌ها نسبتاً کمتر است. تمایل و خواست والدین قبل از تولد فرزند به تأمین امتیازات و امکانات برای ایفای نقش فرزند قوی است و والدین برای تهیه امکانات آموزش، پرورش و کسب مهارت‌های اجتماعی، تأکید می‌ورزند.

در خانواده نوع دوم یا خانواده با ابعاد کوچک، معمولاً چون تولد فرزندان تسامح برنامه‌ریزی است. لذا فاصله تولدها نیز ممکن است رعایت شود.

در آن صورت والدین قادر خواهند بود با تخصیص وقت برای هر کدام فرزندان و توجه به آنان، روابط حساب شده‌ای را بین خود برقرار سازند. اما ممکن است گونه‌هایی از حسادت‌ها بین فرزندان شکل بگیرد لذا والدین تلاش می‌کنند تا بتوانند شرایط مساوی

برای فرزندان در جهت ایفای نقش آنان ایجاد کنند و بدین ترتیب امکان واگذاری و ارجاع نقش‌های خاصی به فرزندان فراهم نمایند.

در خانواده نوع سوم یا متوسط، به طور نسبی و تحت شرایطی، روابط دموکراتیک جای خود را بر روابط اقتدارگری والدین می‌دهد و ممکن است این رابطه با افزایش تعداد فرزندان تشدید شود. با وجود این، فرزندان نسبت به دوستی و رفاقت با سایرین در خارج از خانواده، به دلیل نیاز به کمک و مراقبت در خانه چندان تمایلی نشان نمی‌دهند. چنانچه این کمک‌ها و مراقبت‌ها تأمین نشود، در آن صورت ممکن است، دوستی‌ها و رفاقت‌ها چندان سالم نباشد. در این نوع خانواده‌ها، بیشترین تلاش والدین برای به دست آوردن موقعیت‌ها برای فرزند اول متمرکزتر می‌شود. در چنین حالتی عوامل بروز روابط حسادت گونه بین فرزندان شکل می‌گیرد و ممکن است موجب کاهش قدرت و توانائی پدر و مادر برای تأمین امکانات مساوی برای همه فرزندان گردد.

در نوع خانواده با ابعاد بزرگ، با توجه به خصوصیات آن، اعمال اقتدار گونه نظارت و کنترل برای پیش‌گیری از هرج و مرج ضروری می‌نماید از سوی دیگر فرزندان نیز برای به دست آوردن حمایت والدین و سایر اعضا، چندان رغبتی به ارتباطات بیرون از خانه نشان نمی‌دهند. در صورت فقدان این حمایت، امکان برقراری روابط ناسالم بیرون از خانه منتفی نخواهد بود. به علاوه ضعف و ناتوانی والدین برای رفع نیازهای مختلف فرزندان که در نقش‌پذیری و برقراری ارتباطات اجتماعی با دیگران تأثیرگذار است؛ روابط اجتماعی میان فرزندان با والدین از یک سو و بین فرزندان با یکدیگر از سوی دیگر تعیین می‌کند. در این نوع خانواده نیز، فرزند اول در قالب روابط اجتماعی بیشترین سهم را به خود اختصاص می‌دهد. اما تفاوت‌های سنی و جنسی فرزندان نیز عامل دیگری است که در شکل‌گیری نوع روابط میان اعضای خانواده تعیین‌کننده است.

در هر کدام از نوع خانواده‌ها به ویژه در خانواده‌های پرجمعیت، فرزندان نگرش‌های

م تفاوت نسبت به والدین خود ابراز می‌کنند. این نگرش‌ها در تعیین شکل روابط مؤثر است.

برای مثال تصویری که فرزندان از والدین «خوب» در ذهن خود دارند این است که:

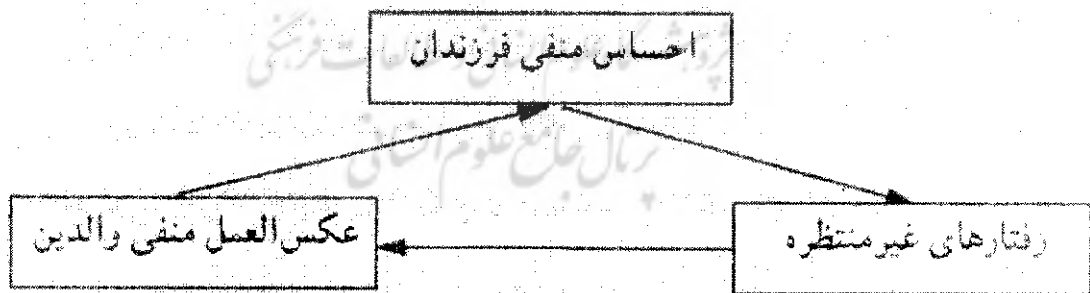
- پدر و مادر برای فرزند خود تلاش کنند.
- نسبت به آنان احساس مسئولیت کنند.
- در برقراری نظم در خانواده جدی باشند.
- به استقلال و شخصیت فرزند علاقمند باشند.
- ترس جای خود را به عشق و علاقه بدهد.
- از فرزندان خود در برابر دیگران به خوبی یاد کنند.
- فرزند خود را تشویق کنند تا دوستان خود را به منزل بیاورند.
- فضای شادی را در منزل ایجاد کنند.
- در مقابل، تصویر ذهنی فرزندان از والدین «بد» این خصوصیات را دارد:
- زیاد تنبیه می‌کنند.
- برای فرزندان استقلال قائل نیستند.
- آنان را تحقیر می‌کنند.
- عبوس و تندخو و در دسرزا هستند.
- مهربانی کمتری به کودکان و فرزندان می‌کنند.
- در هنگام خطای فرزندان، آنان را بیشتر سرزنش می‌کنند.
- نسبت به فعالیت‌های فرزندان چندان توجهی نمی‌کنند.
- از دیدار فرزندان با دوستان‌شان ممانعت به عمل می‌آورند.
- مخالف بازی فرزندان با دوستان‌شان هستند.
- فضای خانه را اضطراب‌آور و تنش‌زا می‌کنند.

این نگرش‌های و انعکاس آن در رفتار والدین در مقابل فرزندان مدار علی بسته‌ای را به

وجود می آورد که قابل بررسی و تحقیق است.

با افزایش ناموزن تعداد فرزندان در خانواده، احتمال بروز احساس منفی و بروز رفتارهای ناشی از آشفتگی خانواده و عکس العمل های منفی والدین می تواند تشدید شود. ابعاد خانواده و تأثیر آن در شخصیت

شخصیت از مباحث عمده در روانشناسی و جامعه شناسی است. بی شک یکی از عوامل مؤثر بر شکل گیری شخصیت در خانواده، تعداد افراد آن، و روابط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که بین آنان وجود دارد. از سوی دیگر شخصیت یکی از پایه های اساسی در برقراری روابط افراد با یکدیگر در سطح کلی جامعه است. تمامی خصوصیات مثبت و منفی فرد، که در فرآیند جامعه پذیری در شخص ایجاد می شود، انعکاس روشنی از نوع شخصیت فرد است. ابراز محبت، نوع دوستی... پرخاشگری تجاوز به حقوق، حسادت و نظایر آنها از گونه های شخصیت است و جای مطالعه دارد.



یکی از مهمترین محورهای که در مطالعه شخصیت به عنوان رکن اساسی در برقراری روابط، اهمیت دارد. «خودباوری» یک مفهوم روان شناسی اجتماعی است اما مصداق خارجی آن را در بستر روابط اجتماعی و فرهنگی می توان یافت اما در چارچوب این بحث باید به دو عامل «موفقیت» و «شکست» اشاره کرد که در شکل گیری شخصیت کودک حائز اهمیت بوده و می تواند در تنظیم روابط اجتماعی بین آنها، مؤثر باشد؛ اهمیت این مسأله وقتی بیشتر می شود که ابعاد کیفی حیات اجتماعی نیز مورد توجه قرار گیرد.

الف - عامل موفقیت

- ۱ - این عامل در ایجاد رضایت از خود تأثیرگذار است. وجود یا عدم رضایت از خود می‌تواند موجب ایجاد روابط اجتماعی و فرهنگی مطلوب یا نامطلوب فرد با سایرین شود.
- ۲ - انگیزه فرد را در کسب موفقیت‌های بیشتر تقویت می‌کند.
- ۳ - کودک را آماده کمک‌رسانی به دیگران می‌کند.
- ۴ - به کودک توانائی روبرو شدن با چالش‌های جدید را می‌دهد.
- ۵ - کودک را از کمک دیگران بی‌نیاز می‌کند.
- ۶ - موجب افزایش اعتماد به نفس می‌شود.
- ۷ - موجب افزایش شادابی و امیدواری می‌شود.

ب - عامل شکست:

- ۱ - موجب می‌شود واقع‌گرایی در کودک کاهش یابد.
 - ۲ - نسبت به توانایی‌های خود، اطمینان کمتری پیدا کند.
 - ۳ - موجب افزایش احساس ناتوانی شود.
 - ۴ - در صورت سنگین بودن شکست، موجب بروز رفتارهای پیچیده‌ای می‌شود که شکست را تشدید می‌کند.
 - ۵ - بیش از حد، کودک را محتاط می‌کند.
 - ۶ - موجب می‌شود تا کودک پیوسته احساس نیاز به کمک کند.
 - ۷ - موجب کاهش انگیزه و تلاش برای روبرو شدن با چالش‌های جدید می‌شود.
 - ۸ - در شرایطی ممکن است موجب علت‌یابی شکست بشود.
 - ۹ - به خودخوری و افسردگی می‌انجامد.
- تأثیراتی که از دونا حیه بر روی شخصیت کودک وارد می‌شود سرانجام میزان سازگاری

یا ناسازگاری او با محیط را تعیین می‌کنند. این امر به سنین کودکی منحصر نیست. بلکه شخصیت به طور عام اساس و پایه روابط در مقیاس‌های مختلف اجتماعی است.

تأثیر تحولات جمعیتی بر تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در سطح کلان یکی از مهمترین محورهایی که در این رابطه قابل مطالعه است رشد جمعیت و سرمایه‌گذاری‌های ضروری ناشی از آن است. اساساً هنگامی که آینده‌نگری نسبت به تحولات و فرآیندهای جمعیت شناختی صورت می‌گیرد. به طور مستقیم ضرورت توجه به امر سرمایه‌گذاری در زمینه‌های گوناگون احساس می‌شود. زیرا اگر رشد جمعیت را به عنوان یک پدیده طبیعی و در عین حال اجتماعی و اقتصادی در نظر بگیریم؛ به تناسب روند تحول آن، جهت دادن آن به چگونگی امکانات، سرمایه‌گذاری اجتناب‌ناپذیر می‌شود. برای مثال اگر جمعیت لازم‌التعلیم روبه رشد باشد در آن صورت سرمایه‌گذاری‌های آموزشی در سطوح مختلف امری اجتناب‌ناپذیر خواهد شد و به همین ترتیب سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی برای جمعیت آماده ورود به بازار کار، همچنین سرمایه‌گذاری برای سالمندان، که در اثر فرآیندهای ساختاری جمعیت روبه رشد خواهد بود، ضرورت خواهد یافت.

از طرف دیگر باید به این نکته توجه داشت که به استناد تجربیات کشورهای پیشرفته صنعتی، رشد جمعیت و شتاب گرفتن آن عامل محرکی برای رونق بخشیدن به اقتصاد و تولید بوده است. این واقعیت در ایالات متحده و در سال‌های پس از جنگ جهانی دم تجربه شده است. (دیوید ام هیر، ۱۳۸۰: ۲۰۶). اما نکته اساسی پتانسیل سرمایه‌گذاری در اقتصاد کشور است. به عبارت دیگر، گاهی ممکن است در قبال رشد جمعیت، فقط در صورت امکان بتوان برای حفظ سطح زندگی موجود، به سرمایه‌گذاری جمعیتی دست زد و این هنگامی است که شتاب رشد جمعیت، بیش از توان اقتصادی کشور است که بخواهد به

سرمایه گذاری اقتصادی دست بزند. هدف این نوع سرمایه گذاری ها، علاوه بر رفع نیازهای اساسی، سود آوری و تشکیل مجدد سرمایه است.

بنابراین در نامعادله: $I_1 - I_0 > 0$

که در آن I_1 سرمایه گذاری کل و I_0 سرمایه گذاری جمعیتی است.

اگر تفاضل دو نوع سرمایه گذاری یعنی سرمایه گذاری کلی و جمعیتی بیشتر از صفر بود می توان نتیجه گرفت که وضع معیشت و سطح زندگی جامعه رو به بهبود است و حتی فرصت برای آینده نگری نیز وجود دارد. (سید میرزایی، ۱۳۸۱: ۲۱۵) لازم به توضیح است که در سرمایه گذاری جمعیتی هدف غالباً حفظ سطح زندگی موجود است و در سرمایه گذاری کلی، علاوه بر حفظ وضع موجود، بهبود زندگی نیز هدف غایی است.

این مسأله در کشورهای در حال توسعه، که عموماً به شدت با پدیده رشد جمعیت روبه رو و دست به گریبانند از اهمیت بیشتری برخوردار است. از طرف دیگر چون میزان سرمایه سرانه این کشورها نیز عموماً پایین است، بنابراین سرمایه گذاری های اساسی و بنیادی مانند راه، آب، برق، ارتباطات، بهداشت، ماشین آلات و غیره که بی تردید اجتناب ناپذیر است، خواه ناخواه تبعات اقتصادی خود را به صورت های گوناگون مانند افزایش نرخ تورم، کاهش سطح زندگی و رفاه عمومی و نظایر آن بر جای می گذارد.

بنابراین به دلیل مزمن بودن عقب ماندگی اقتصادی، و لزوم سرمایه گذاری های بیشتر و جدیدتر و پیش بینی ضرورت های آتی، به خصوص با توجه به ساختار جمعیتی و از همه مهمتر سرعت تحولات اقتصاد جهانی، ناگزیر باید ضریب سرمایه گذاری ها را از محل درآمدهای ملی افزایش داد، که منجر به افزایش «نسبت ستانده سرمایه افزوده» بشود تحقق چنین هدفی به طور نظری از دو طریق امکان پذیر است:

۱ - دستیابی به منابع مالی خارجی یا بین المللی به صورت وام های مختلف

۲ - افزایش درآمد از طریق افزایش و رونق دادن به تولید یا کاهش مصرف کل

در آن صورت تفاضل تولید و مصرف با توجه به تأثیر ضریب جمعیت، می‌تواند به افزایش توان مالی و اقتصادی منجر شود.

$$P = N_{(p-d)}$$

در این معادله P قدرت اقتصادی، N تعداد جمعیت P تولید و C مصرف است.

این رُض در واقع، به معنای افزایش حجم و میزان پس‌انداز است و در هر دو سطح خرد و کلان نیز قابل بررسی است.

اما گفتنی است کاهش مصرف کل، ممکن است تبعات اجتماعی و اقتصادی به دنبال داشته باشد. به عبارت دیگر از بعد اقتصادی می‌توان گفت یکی از عوامل مشوق برای تولید، رونق بازار مصرف و افزایش انگیزه برای تولید از سوی مصرف‌کننده است. از طرف دیگر رشد و افزایش تولید متکی به عوامل مختلفی از جمله سرمایه اولیه، دانش، فن‌آوری، قدرت رقابت در بازار و نظایر این‌ها است.

به نظر می‌رسد در هر دو جهت، مهمترین عامل موفقیت وجود یک راهبرد و استراتژی جامع است که ضمن توجه به همه عناصر بتواند از فرصت‌های موجود حداکثر بهره‌برداری را بکند. یکی از محورهای مهمی که در استراتژی‌های اقتصادی باید مورد توجه قرار گیرد، توزیع درآمدها و ایجاد فرصت در سطح خرد برای تحقق پس‌اندازها است. زیرا پس‌انداز علاوه بر بعد اقتصادی، ابعاد اجتماعی و فرهنگی مهمی دارد که در روابط اجتماعی تأثیرگذار است. اطمینان و احساس آرامش خاطر ناشی از وجود پس‌انداز می‌تواند موجب ایجاد فرصت تفکر برای آینده‌نگری باشد.

انعکاس تحولات جمعیتی در ابعاد اقتصادی آن منحصر نیست، بلکه در روابط گسترده اجتماعی در سطح ملی، و حتی بین‌المللی نیز به منظور کسب منزلت و قدرت در صحنه جهانی تأثیر دارد. عموماً تصور بر این است که افزایش حجم جمعیت مالمی‌تواند منجر به کسب قدرت شود. چه در مواردی دیده شده است که کشورهای مختلف برای ابراز قدرت به

عامل جمعیت نیز متکی شده‌اند. تأکید کشور ژاپن قبل از جنگ جهانی دوم را دست‌یابی به جمعیت یک صد میلیونی می‌توان مثال زد. به علاوه، یکی از عوامل مؤثر بر کسب مجوز برای تولید نفت در بازار اوپک بی آن که یک قاعده کلی باشد تعداد جمعیت است که به تناسب آن کشور تولید کننده نفت بتواند از طریق تولید بیشتر، امتیازات اقتصادی بیشتری را به دست آورد. از بعد فرهنگی می‌توان گفت گرچه در غالب کشورها هنوز اقلیت‌های اجتماعی به عامل جمعیت تکیه می‌کنند. اما اگر به سایر ابعاد فرهنگی و اجتماعی اقلیت‌ها در کشورهای مختلف دقت شود، روشن خواهد شد که تنها عامل رقم و تعداد کل جمعیت اقلیت‌ها تعیین کننده نیست. برای مثال، تعداد یهودیان آمریکا در مقایسه با مسیحیان یا سیاه‌پوستان در اقلیت قرار دارند. اما نوع تفکر و جهان‌بینی قومی به گونه‌ای مؤثر بوده است که تمامی یهودیان آمریکا عزم راسخ برای کسب منزلت‌های اقتصادی و اجتماعی از خود نشان داده‌اند و با تأکید بر همبستگی‌های اجتماعی و قومی خود نه تنها توانسته‌اند در آمریکا به اهداف خود برسند بلکه در سطح جهانی نیز تعیین کننده باشند. نیازی به توضیح نیست که سیاه‌پوستان آمریکا که رقم قابل توجهی دارند نه تنها نتوانسته‌اند چنین امتیازاتی را به دست آورند، بلکه متحمل محرومیت‌هایی نیز شده‌اند. بنابراین ارتقای سطح فرهنگی و تحکیم روابط اجتماعی، در مقایسه با حجم جمعیت بیشترین تأثیر را در کسب امتیازات به عهده دارد. این مسأله فقط منحصر به آمریکا نیست بلکه در سایر جمعیت‌ها و جوامع نیز صدق می‌کند.

اشاره شد که افزایش جمعیت معمولاً موجب تنگ‌تر شدن فرصت‌ها و ایجاد شرایط رقابت‌آمیز برای کسب موفقیت‌ها می‌شود. اما آنچه در قالب روابط اجتماعی و فرهنگی حائز اهمیت است، رعایت قواعد بازی و تبعیت از قوانین و نظم اجتماعی برای تأمین منافع عمومی است.

با دقت بر این نکته، روشن می‌شود که تحقق چنین شرایطی غالباً جنبه فرهنگی دارد.

زیرا در معادله قدرت اقتصادی یاد شده:

$$P = N_{(p=e)}$$

تفاضل تولید و مصرف و به عبارت دیگر افزایش تولید و کاهش مصرف مستلزم وجود یک باور فرهنگی است یعنی تا تولید نشود و به صرفه جویی به عنوان یک رفتار و الگوی مصرف تأکید نشود، قدرت اقتصادی به دست نخواهد آمد. اگر به چین ۱/۵ میلیارد نفری توجه شود روشن خواهد شد که تلاش و قناعت، رمز موفقیت بوده است. این رابطه در ایران مدکوس است زیرا، علیرغم آشفتگی‌ها و چندگانگی‌هایی که در سیستم اطلاع‌رسانی آماری وجود دارد، اما به استناد آمار و ارقام وزارت اقتصاد و دارایی اگر سال ۱۳۵۵ مستثنی شود از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۵ ارقام تولید ناخالص داخلی به طور نسبی رو به رشد بوده است. ولی با توجه به تبعات رشد با شتاب جمعیت، درآمد سوانه رو به کاهش بوده است. گفتمنی است در سال‌های ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۶۰، رقم تولید ناخالص داخلی از ۱۳۱۳۱۲ هزار میلیارد ریال به ۱۰۶۹۲۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۵ رسید و با افت تعدادی رزبه رو بوده است. از این رو دگرگونی بنیادی برای تغییر شرایط موجود و مقابله با چنین روندی در آینده اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

این تحولات در مراکز شهری نمود بیشتری پیدا می‌کند. زیرا بخش قابل توجهی از رشد جمعیت شهری از مهاجرت با خصوصیات اجتماعی و فرهنگی خاص خود است که در شهرها سکونت می‌یابند. اما از سوی دیگر، تضادهای فرهنگی که به طور طبیعی رخ می‌نماید، می‌تواند فضای اجتماعی و فرهنگی شهرها را به چالش بکشد. رویدادهای آسیب‌شناختی در شهرها، تا حدودی ناشی از همین امر است. به علاوه، نمی‌توان تأثیر عامل جمعیت در گسترش شبکه‌های روابط و تعاملات اجتماعی و ایجاد زمینه برای رشد و پیشرفت فرهنگ را نیز نادیده گرفت.

در هر حال می‌توان به روشنی دریافت که مهاجرین و اقلیتهای فرهنگی، یکی از عناصر

مهم در معادله قدرت اقتصادی و درآمد سرانه بوده و به اشکال مختلف در روابط اجتماعی و فرهنگی خانوارهای شهری نیز تبلور می‌یابد. نمی‌توان منکر این واقعیت شد که یکی از عوامل مؤثر در افزایش میزان طلاق و آثار فرهنگی ناشی از آن، کاهش توان اقتصادی است. اگر شرایط اقتصادی با توجه به مقایسه‌ای که با کشور همسایه (ترکیه) به عمل آمده، استمرار یابد، ضرورت اعمال سیاست‌های اقتصادی مناسب برای بهسازی شاخص‌های موجود تردیدناپذیر خواهد بود و اگر ناهماهنگی در توزیع بودجه خانوار، فقط در دو قلم از مجموع اقلام جدول بودجه خانوار یعنی مسکن و تفریح و اشتغالات فرهنگی، در نظر گرفته شود، لزوم تجدید نظر جدی در توزیع هزینه برحسب اقلام عمده آن را مطرح خواهد ساخت. زیرا برخورداری از امکانات لازم برای فراغت و اشتغالات فرهنگی، پیش زمینه بهبود شرایط اجتماعی و حقوق مسلم و طبیعی هر فرد در جامعه است. از این رو است که امروز در حوزه‌های جامعه‌شناسی، مطالعه اوقات فراغت، اهمیت بسیاری یافته است. این امر به ویژه هنگامی که ساختار نسبی و روند تحولات آن در جهت تشدید سالخورده‌گی جمعیت پیش رود. اهمیت فزون‌تری خواهد یافت. فراغت و استفاده از اوقات بیکاری نزد سالمندان مسأله‌ای است که هنوز در ایران مورد بررسی قرار نگرفته، زیرا هنوز مسأله اوقات فراغت جوانان لاینحل باقی مانده است. از سوی دیگر شیوه‌های سکونت در ایران که امروزه برخلاف الگوها و سنن اجتماعی گذشته، بیش از حد تحت تأثیر فشارهای اقتصادی و محدودیت توان‌های مالی قرار دارد پیامدهای فرهنگی مهمی را به دنبال خواهد داشت که نباید از آنها غافل ماند.

به نظر می‌رسد خروج از این وضعیت و انتقال به وضعیت مطلوب‌تر مستلزم این است که توانمندی‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های سطح کلان با دست‌یابی به منابع با ثبات، علاوه بر رفع نیازهای آنی، به سمت برنامه‌ریزی‌ها و سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی سوق پیدا کنند و به اهمیت زمان در این امر هم توجه خاصی مبذول شود.

نتیجه

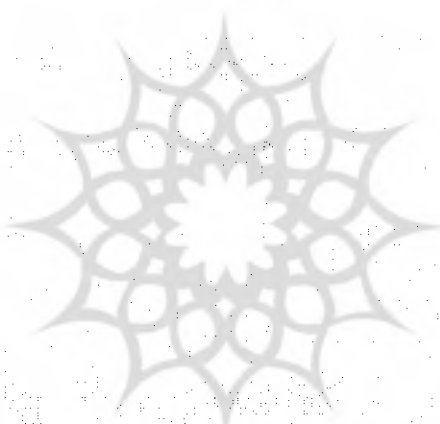
از آنچه گفته شد چنین بر می آید که شرایط جغرافیایی، تاریخی به درجات مختلف در تحولات اجتماعی و فرهنگی جمعیت ایران مؤثر بوده است.

رشد سریع جمعیت ایران به ویژه در دهه ۱۳۶۰ که می توان آن را تا حدی به تأخیر در انتقال جمعیتی و فرهنگی نسبت داد، ساختاری را به وجود آورده است که به نحو قابل ملاحظه ای، وزن جمعیت جوان افزایش پیدا کند. گرچه می توان کاهش این وزن را تا حدی در نظر آورد ولی بی آمدهای اجتماعی و به خصوص فرهنگی آن را نمی توان نادیده گرفت. رشد نسبتاً با شتاب جمعیت شهری نیز که ناشی از تحولات یاد شده است، دامنه سه فرهنگی و اجتماعی - اقتصادی را گسترش می دهد که یکی از ابعاد مهم آن میزان بالای بیکاری است و بر حسب نظر اعلام شده، اگر اقتصاد به میزان رشد هشت درصد برسد، تعداد بیکاران در چند سال آینده، فراتر از پنج میلیون نفر خواهند بود. که تبعات و بی آمدهای فرهنگی و اجتماعی مهمی را به دنبال خواهد داشت.

کاهش قدرت خرید، خانوار، افزایش حجم و سطح نیازهای درون زا و بیرون زا در اثر دستیابی به تکنولوژی های ارتباطی پیشرفته، توقعات و نیازهای فرهنگی مختلفی را به نحوی انکارناپذیر به دنبال دارد. به ویژه رشد معدل سواد و افزایش سطح نیازها، مشکل را تشدید می کند.

عدم ارضای نیازها در سطح خرد، زمینه را برای بروز تضادهای فرهنگی در خانواده به وجود می آورد و در سطح کلان ممکن است آثار منفی در جلب مشارکت های عمومی برجای بگذارد که هر دو، مانع رشد فرهنگی فرد در جامعه، می گردد و می تواند احساس سستی فرزندان را که نتیجه ناتوانی والدین در ارضای نیازهای آنان به دلیل ضعف توان مالی و قدرت خرید است، به صورت رفتارهای غیرمنتظره ناشی از تضادها و آشفتگی های خانواده بروز دهد و با شکل گیری سیکل معیوب، موانعی را برای رشد مطلوب شخصیت آنان ایجاد

کند. از این رو، توجه به ساختارهای انتقال دهنده فرهنگ مانند آموزش های رسمی و سایر ارتباط جمعی از یک سو، و بهینه ساختن فضای فیزیکی متعادل، بهبود شرایط زیست خانواده به عنوان مکان عمده رشد شخصیت و هسته اصلی جامعه، و زیربنای عناصر فرهنگی، از سوی دیگر، اهمیت ویژه ای پیدا می کند.



منابع و مآخذ

- آمانی، مهدی: جمعیت شناسی عمومی ایران، سمت ۱۳۸۰
- نوسلی ۱۳۷۲ (کوتن) میانی جامعه شناسی، سمت (ترجمه)
- رزاقی، ابراهیم: ۱۳۶۸ اقتصاد ایران، نشر نی
- سید میرزایی، محمد ۱۳۸۱ تهران، جمعیت شناسی عمومی، دانشگاه شهید بهشتی
- فروتن (دیوید، ام. هیز) جمعیت و جامعه، دانشگاه مازندران ۱۳۸۰ (ترجمه)
- سرشناری های نفوس و مسکن، مرکز آمار ایران
- سیمای جمعیت و سلامت D.H.S ۱۳۷۹
- میرزائی، محمد (۱۳۷۸)، نوسانات تحدید موالید در ایران، جمعیت، سازمان ثبت احوال کشور، شماره ۲۹ و ۳، ۱۳۷۸.
- Foufadi.L: Population et Politique En IRAN.I.N.E.D.2003
- Hurlock.E.B.Child development. 6e edition Mc Grow Hill. 1978
- Population Reports. No 16.2002